اخبار کارگری

لغو ارائه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاران نگران‌کننده است

خبر حذف الزام تعیین صلاحیت ایمنی پیمانکاران در مناقصه‌ها این روزها موجب انتقادات فراوانی شده است. به گزارش «توسعه ایرانی»، متخصصان، آیین‌نامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران را یکی از قوانینی می‌دانند که اجرای آن سبب شده حداقل‌های ایمنی و بهداشت تا حدودی رعایت شود و حذف این الزام در مناقصه را به معنای بدتر شدن اوضاع کارگران می‌دانند؛ وضعیتی که باعث می‌شود خیلی از شرکت‌ها بدون داشتن شرایط لازم اصول ایمنی و بهداشت بتوانند در مناقصه پیروز شوند. «وحید فرحبخش» عضو هیأت مدیره کانون انجمن‌های ایمنی و بهداشت کار کشور، حذف این الزام در مناقصه‌ها را به معنای ملغی شدن کلی چنین الزامی نمی‌داند و می‌گوید: ارائه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاران همچنان الزامی‌ست. وی ادامه می‌دهد: با توجه به مصوبه هیات دولت در واپسین روزهای عمر خود مبنی بر حذف شرط اجبار ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری در اسناد مناقصه، به اشتباه ابطال آیین‌نامه تلقی شده که صحیح نیست و این مصوبه صرفا ارائه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاران را از زمان مناقصه به زمان عقد قرارداد به تعویق می‌اندازد و اصل آیین‌نامه امور پیمانکاری مصوب سال ۸۹ به قوت خود باقی‌ست. فرحبخش می‌گوید: طبق ماده ۲ آیین‌نامه پیمانکاران باید صلاحیت انجام کار خود را از نظر ایمنی از وزارت کار و امور اجتماعی اخذ کنند. پیمانکاران باید گواهی صلاحیت ایمنی خود را به کارفرما در حین قرارداد ارائه کنند و به استناد ماده ۳ آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری کارفرما باید با پیمانکارانی قرارداد منعقد کند که صلاحیت انجام کار آنان از نظر ایمنی توسط وزارت کار و امور اجتماعی تأیید شده باشد.

یک مقام صنفی:

بهبود وضعیت معیشتی کارگران فراتر از تغییر یک عبارت است

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران، خواستار استفاده از اهرم نظارتی مجلس بر اجرای ماده ۴۱ قانون کار شد که با معیشت بیش از نیمی از جمعیت کشور در ارتباط است. سمیه گلپور در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به طرح پیشنهادی مجلس برای اصلاح ماده ۴۱ قانون کار اظهار کرد: در این طرح پیشنهاد شده واژه «با توجه به نرخ تورم» به واژه «به میزان نرخ تورم» اصلاح شود و دستمزد سالانه کارگران به میزان نرخ تورم اعلامی از سوی مراجع رسمی تعیین شود اما سوال این است که درخصوص کارمندان دولت که طبق قانون افزایش حقوق آنها به میزان تورم صورت می‌گیرد، به‌رغم اینکه نرخ تورم نزدیک ۵۰ درصد بود اما حقوق کارمندان ۲۰ درصد افزایش یافت بنابراین عبارت به میزان تورم را هم جایگزین کنیم، نمی‌تواند کمکی به حقوق کارگران کند. وی با بیان اینکه اگر حقوق و دستمزد کارگران هر ساله متناسب با تورم رشد می‌کرد اکنون دچار عقب‌افتادگی مزدی نبودند، گفت: وضعیت معیشتی کارگران فراتر از تغییر یک عبارت است چون حتی شاهدیم وقتی کلمه «به میزان تورم» هم وجود دارد باز هم تغییری در حقوق و دستمزد ایجاد نمی‌شود. گلپور گفت: از اقدام نمایندگان در اصلاح ماده ۴۱ قانون کار تشکر می‌کنیم ولی لفظ به میزان تورم چقدر توانسته حقوق کارمندان را تغییر دهد که اکنون حقوق کارگران با این اصلاح واژه تغییر کند؟ این مقام کارگری ادامه داد: در ماده ۴۱ صرف‌نظر از بحث نرخ تورم، سبد معیشت را هم داریم و از نمایندگان مجلس می‌خواهیم اگر درصدد کمک به کارگران و حقوق آنها هستند، حسن نظارت خود را بر اجرای ماده ۴۱ قانون کار نشان بدهند. وی گفت: در طول ادوار بیش از ۳۰ سال است که روی ماده ۴۱ که با معیشت نیمی از جمعیت کشور در ارتباط است، هیچ نظارت و تحقیق و تفحصی صورت نگرفته، در حالی که مجلس باید از اهرم نظارتی خود استفاده و به وظیفه نظارتی خود عمل کند.

مرگ یک کارگر معدن بر اثر سقوط از ارتفاع

یک راننده بیل مکانیکی در منطقه معدنی «قلعه‌شاهین» سرپل ذهاب استان کرمانشاه بر اثر حادثه شغلی جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، در جریان این حادثه که شب سه‌شنبه روی داده، یکی از کارگران راننده منطقه معدنی قلعه‌شاهین، حدود ۳۷ ساله، بر اثر واژگونی بیل مکانیکی از ارتفاع جان باخت. طبق این گزارش، هنگام اجرای عملیات برداشت خاک و سنگ از یک کارگاه شن و ماسه ناگهان کوه ریزش می‌کند و در نتیجه کارگر موردنظر که در کابین دستگاه بیل مکانیکی، مسئولیت هدایت دستگاه را به عهده داشته، بر اثر واژگونی بیل مکانیکی با پرت شدن زیر کابین محبوس می‌شود.

مصدومیت یک کارگر بر اثر سقوط در چاه

یک کارگر خدماتی کارخانه سیمان شمال که در مجاورت روستای «باغ کمیش» شهرستان پردیس در استان تهران واقع شده، هنگام کار در محوطه بیرونی کارخانه، بر اثر سقوط ناگهانی در یک چاه شش متری مصدوم شد. به گزارش ایلنا، با حضور امدادگران و عوامل آتش‌نشانی این شخص که از ناحیه دست و پا دچار آسیب‌دیدگی شده بود، سریعا برای درمان به بیمارستان منتقل شد.

میانگین خشونت، اعتیاد و مشکلات روحی در کارگران بیشتر از سایر اقشار جامعه است

تنگ‌تر شدن حلقه آسیب‌های اجتماعی در محیط‌های کارگری

رضا اسدآبادی

آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، بزهکاری، طلاق، خودکشی و خشونت یکی از مشکلات مبتلابه جامعه کارگری و به ویژه بخش جوان این بخش از مردم ایران است. اینکه این آسیب‌ها چه منشا اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی مشخصی دارد و اینکه شدت آن به حدی است، سوالاتی است که عمدتاً کمتر به آن پرداخته شده است.

«حسن موسوی چلک» رئیس انجمن مددکاران اجتماعی و مدیرکل اسبق در سازمان معتقد است که میانگین آسیب‌های اجتماعی در کارگران از سایر اقشار بالاتر است و کاهش این موضوع، نیازمند افزایش سرمایه اجتماعی است.

آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران طی سال‌های اخیر چه تحولاتی داشته و آیا از نظر کمی، مصادیق آن افزایش یافته است؟

آسیب‌های اجتماعی طی سه دهه اخیر در تمامی شاخص‌ها و گروه‌های اجتماعی روند روبه رشدی داشته و کارگران نیز از این روند مستثنی نبودند. مسأله مهم، تنوع آسیب‌های اجتماعی در جامعه است. کارگران ما نیز در همین جامعه و با همین مردم زندگی می‌کنند و فقط محیط کار آنها اندکی متفاوت است. البته خود محیط کار گاهی می‌تواند باعث تشدید یا کاهش آسیب‌های اجتماعی شود. مثلا فردی که محیط کار نظامی یا بیمارستانی دارد، کمتر می‌تواند درگیر آسیب‌های اجتماعی باشد اما برخی محیط‌های کارگاهی در بافت‌هایی قرار دارند که ناخودآگاه احتمال تسری آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهند.

همچنین وقتی از آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد سخن می‌گوییم، باید یک حلقه‌ای از آسیب‌های اجتماعی را با هم ببینیم زیرا آسیب‌های اجتماعی روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند و با یک حلقه‌ای از آسیب‌ها مواجه هستیم.

نکته چهارم اینکه باید بپذیریم سلامت روان اجتماعی امری است که در کشور مورد غفلت قرار گرفته. از مدرسه تا دانشگاه شاهد هستیم که امر سلامت روان اجتماعی موضوعی فاقد اهمیت تلقی می‌شود. در محیط‌های کارگری و بسته‌تر نیز همین فضا را می‌بینیم. در چنین شرایطی تنوع کیفیت آسیب‌های اجتماعی و افزایش کمی تعداد مصادیق این آسیب‌ها و کاهش سن آسیب‌ها طبیعی خواهد بود. ضمن اینکه عوامل تشدیدکننده آسیب‌های اجتماعی در جامعه روزبه‌روز در حال افزایش است و مشخصاً موضوع فقر به ویژه در طبقات پایین جامعه عاملی محوری در تشدید آسیب‌های اجتماعی است.

جایگاه کارگران در سیاست‌گذاری‌های معطوف به آسیب‌های اجتماعی در چه حد است؟

جامعه کارگری ایران جمعیت قابل ملاحظه‌ای را داشته و شاید بزرگترین جمعیت صنفی در کشور را تشکیل می‌دهد. برخی عدد ۱۵ میلیون را در مورد کارگران رسمی و قراردادی (غیرزیرزمینی) در ایران تخمین زده‌اند. اگر هر کارگری متوسط خانوار ۳ نفره داشته باشد، در آن حالت بیش از نصف جمعیت کشور را به‌طور مستقیم، خانوارهای کارگر شاغل و بازنشسته تشکیل می‌دهند.

پیشتر سندی را برای وزارت کار تدوین کردیم که عنوان آن «سند ارتقای سلامت اجتماعی با تاکید بر حوزه آسیب‌های اجتماعی» بود. این گزارش سندگونه شامل کلیه حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی از جمله «خشونت، الکل، اعتیاد، طلاق و خودکشی» است که در سه مجلد تدوین و در اختیار وزارتخانه مذکور قرار گرفت. اینکه از آن سند مطالعاتی و گزارش چقدر بهره‌برداری می‌شود را نمی‌دانم اما این مطالعه بیش از یک سال زمان برد. در آن سند نشان دادیم که اعتیاد در میان کارگران آمار بالایی دارد. در شیوع‌شناسی اعتیاد در سال ۱۳۹۲ که سال ۱۳۹۴ منتشر شد، نشان دادیم که میانگین اعتیاد جامعه کارگری از میانگین سایر اصناف و اقشار بیشتر است. همچنین نشان دادیم که میانگین خشونت، اختلال روحی و طلاق نیز در جامعه کارگری نسبت به سایر گروه‌های جامعه بالاتر است. میانگین نارضایتی از زندگی نیز که از شاخص‌های همبسته با خودکشی است نیز در میان کارگران به حد قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر اقشار بالاتر بود.

این آمار یک پیام دارد و آن اینکه محیطی خاص مثل محیط‌های کارگری، از چشمان ما غافل بوده و نسبت به مشکلات آن آگاه نبودیم. این امر البته چند دلیل دارد ولی یکی از دلایل این است که کارفرمایان و حتی وزارت کار، دغدغه‌ای برای توسعه برنامه‌های محافظ از کارگران در برابر آسیب‌های اجتماعی ندارند.

نکته دیگر اینکه وقتی به عرصه آسیب‌های اجتماعی نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم ما هیچ سنجش مستمری از وضعیت سلامت روان جامعه کارگری نداریم و بانک اطلاعاتی که داده‌های آن به‌روز و قابل اتکا باشد تا بتوانیم بر مبنای آن سیاست‌گذاری کنیم، در دسترس ما نیست. همچنین هر چه طرح و برنامه در کشور در این زمینه وجود دارد، طرح‌های ملی و سراسری است ولی مثلا کارخانه ماشین‌سازی اراک با کارخانه ایران خودرو تفاوت بسیاری دارد. محیط کار صنعتی هر دوی اینها هم با کارخانجات پتروشیمی و پالایشگاهی متفاوت است. همچنین در استان‌های مختلف، سطح آسیب‌هایی که کارگران درگیر آن هستند متفاوت است و همین تفاوت باید موجب این شود که ما سیاست‌گذاری محلی و منطقه‌ای و حداقل استانی در بحث آسیب‌ها داشته باشیم.

یکی از عوامل مشکلات روانی، معضل درآمدی است. مزد تعیین‌شده کارگران در پایان سال از نرخ تورم و سبد معیشت کارگران عقب‌تر است و در چنین شرایطی، کارگر قطعاً درون استرس روزمره غوطه‌ور خواهد بود

چه توصیه‌های می‌توان به کارگران و کارفرمایان کرد؟

موضوع مهم در محیط‌های کارگری، ضرورت توجه به «خودمراقبتی» و «مراقبت سازمانی» است. متاسفانه کارگران ما تا زمانی که نفس می‌کشند، باید کار کنند و سلامت نیروی کار چندان برای کارفرما مهم نیست. این مورد در رابطه با حوادث کار که فیزیکال و فوری هستند نیز دیده می‌شود و قاعدتاً در حوزه آسیب‌های اجتماعی به شکل مضاعفی شاهد این بی‌توجهی هستیم. مثلا کارگران و مدیران کارخانه‌ای ناگهان می‌بینند که یک کارگر خودکشی کرده یا اقدام ناموفق به خودکشی می‌کند. آنها از خود می‌پرسند که چرا چنین اتفاقی افتاد در حالی که نشانگان خودکشی قبلا در فرد اقدام‌کننده وجود داشته و ما نسبت به این نشانگان بی‌تفاوت یا ناآگاه بودیم. علت این بی‌اهمیتی این است که در اغلب موارد ما نیروی انسانی را یک «سرمایه» قلمداد نمی‌کنیم.

ما باید بیشترین تمرکز خود در محیط‌های کارگری را روی پیشگیری اصطلاحاً «سطح یک» بگذاریم. شما گروهی را دارید که می‌خواهد ۳۰ سال کار کند. این فرد ۳۰ سال در دسترس است و خانواده و مدیران نیز در دسترس هستند. همه چیز در این محیط تحت کنترل است و نیازسنجی مبتنی بر نیازها قابل انجام است لذا محیط‌های کارگری یکی از بهترین محیط‌ها برای تمرین پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی است.

در مرحله دوم یا پیشگیری «سطح دو» اگر کارگری نشانه‌ای درون خود دارد که گویای تعارض در محیط کار، خانه و محله است، به موقع می‌توان خدمات تخصصی را ارائه داد تا از بروز آسیب اجتماعی که خودکشی نقطه اوج آن است، جلوگیری شود.

با توجه به تحقیقات جنابعالی، آیا نسبتی میان خشونت محیط کار کارگران با شدت بروز آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟

قطعا این ارتباط وجود دارد! یکی از مولفه‌ها در حوزه محیط کار و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی، فضایی است که افراد در آن کار می‌کنند. هرچه محیط خشن‌تر بوده و آلودگی صوتی و هوایی بیشتر باشد و روابط اجتماعی درون کارگاه ضعیف‌تر بوده و مهارت ارتقای نشاط در محیط نامطلوب برای‌شان پایین‌تر باشد، به همین نسبت میزان آسیب‌پذیری نیروی کار افزایش می‌یابد. این مسائل در تمامی مبانی نظری مطالعات ما آمده و در جامعه ایران نیز صدق می‌کند زیرا محیط وقتی خشن و کار خارج از توان شود و کار در شرایطی باشد که فرد ماه‌ها از خانواده دور باشد، همه و همه باعث خواهند شد که انواع و اقسام آسیب‌ها در نیروی کار تشدید شوند.

میانگین خشونت، اختلال روحی، طلاق و نارضایتی از زندگی که از شاخص‌های همبسته با خودکشی است در میان کارگران به حد قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر اقشار بالاتر است

اینکه با وجود همه این مشکلات و فشارها، کارگر فاقد مهارت ارتباطی باشد، همه چیز را بدتر می‌کند. کارگری که بلد نباشد در شرایط سخت چطور حال خود را خوب کند، فوراً به درگیری، پرخاشگری و آسیب‌های اجتماعی دیگر در محیط گرایش پیدا می‌کند. اگر دسترسی به خدمات اجتماعی ضعیف باشد، این افراد ریسک گرایش به آسیب‌ها را بیشتر خواهند داشت. این ریسک‌ها می‌تواند گرایش به مواد مخدر، الکل، خشونت، طلاق، بزهکاری و خودکشی باشد.

اگر بخواهم جمع‌بندی کنیم، باید بپذیریم که محیط‌های کار ما محیط‌های دوستدار کارگر نیست. ممکن است برای جلوگیری از بروز حوادث کار یا بیماری‌های شغلی، واحد ایمنی و بهداشت حرفه‌ای داشته باشیم اما کارگر تنها یک بعد از زندگی اجتماعی‌اش زندگی جسمی است و بعد دیگر کارگر، بعد روانی است.

البته ۷۵ درصد عوامل بروز بیماری جسمی نیز ریسک‌های اجتماعی است اما به هرحال جلوگیری از ریسک‌های جسمی و حوادث شغلی کمابیش ناظر دارد و اگر دست کارگری قطع شود، به هرحال کارفرما باید جواب دهد ولی معمولاً به بعد سلامت روانی به این دلیل که پاسخگویی وجود ندارد، اهمیتی داده نمی‌شود. اگر محیط کار کارگری را درگیر افسردگی و بیماری‌های روانی یا اعتیاد کرد، هیچ مدیر یا کارفرمایی از نظر حقوقی، قانونی و نهادی پاسخگو نخواهد بود. کسی نیز در این حوزه نظارت‌گری نمی‌کند. این بخش از خدمات (یعنی حوزه روانی) نیز هرگز بیمه نبوده که نظام بیمه‌ای برای کاهش هزینه‌های درمان در آن حوزه مطالبه‌گر شده و ورود کند تا یک عرصه برای پیشگیری نیز در حوزه مسائل روانی و اجتماعی محیط کار تعریف شود.

یکی از عوامل مخرب روی روان نیروی کار، استرس محیط کار است. استرس و شرایط مضطرب‌کننده فرد در محیط، چه تاثیری در تشدید آسیب‌های اجتماعی دارد؟

وقتی از سلامت روانی و اجتماعی سخن می‌گوییم، باید مشخصا مقابل مسأله استرس‌های شغلی برنامه داشته باشیم چون این بیماری به نوعی ام‌الامراض است. آیا استرس غیرقابل اجتناب است؟ پاسخ ما به این سوال منفی است. من و شما نیز به‌عنوان شهروند هر روز استرس‌های زیادی را تجربه می‌کنیم. آنچه اهمیت دارد این است که عوامل استرس‌زا باید شناسایی و کنترل شده و تاثیر آن کاسته شود. ضمن اینکه مهارت‌هایی در فرد باید باشد تا تاثیرات استرس‌ها از بین برود ولی استرس اجتناب‌ناپذیر در محیط کار خشن و ناامن و در محیط بی‌ثبات شغلی، بیشتر خواهد بود. کارگری که هر روز نگران از دست دادن شغل خود است، فشار بسیار بیشتری را تحمل می‌کند.

همچنین باید پذیرفت که محیط‌های کار ما شادی‌گریز هستند چون بیشتر به دنبال سود هستیم، به ویژه روابط در بخش خصوصی به مراتب خشک‌تر می‌شود. اگر به صراحت نگوییم نیروی کار تبدیل به ابزار می‌شود، باید پذیرفت که قطعاً شرایط سختی به کارگران تحمیل می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مشکلات روانی و استرس‌های محیط کار نیز معضل درآمدی است. در اغلب موارد مزد تعیین شده کارگران در پایان سال از نرخ تورم و سبد معیشت کارگران عقب‌تر است. در چنین شرایطی جامعه کارگری قطعاً درون استرس روزمره غوطه‌ور خواهد بود. در بسیاری از موارد با رشد بیکاری فارغ‌التحصیلان، افراد برخلاف جایگاه و شان اجتماعی خود حاضرند بیمه نشوند و به‌صورت تمام‌وقت کار سنگین انجام ندهند تا بتوانند امنیت شغلی خود را حفظ کنند. آنان در عین اینکه برای حفظ این جایگاه تلاش می‌کنند، اصلا از آن رضایت ندارند و همین نارضایتی می‌تواند در افزایش استرس و مشکلات روانی در محیط کار موثر باشد.

آسیب‌شناسی شما از نوع مواجهه مسئولین با آسیب‌های اجتماعی به ویژه در حوزه کارگری چیست؟

مشکل این است که معمولاً یا مشکلات را کتمان می‌کنیم یا آن‌قدر داده‌ها را دیر اعلام می‌کنیم که دیگر به کاربستن این داده‌ها بی‌خاصیت هستند. ضمن اینکه پس از بروز کرونا، اساساً تمامی داده‌های قبلی و روندهای پیشین تغییر کرد. برای جمع‌آوری داده از سطح محیط زیست تا کارگاه نیز هیچ الزامی به جمع‌آوری اطلاعات صورت نگرفته. در سال گذشته در یک واحد تولیدی ۱۱ نفر طی چند ماه خودکشی کردند. این یعنی روی آن کارگاه با محور قراردادن سلامت نیروی کار باید یک مطالعه موردی بسیار جدی صورت گیرد. ما نیاز مند یک بازنگری درباره تهیه دماسنج آسیب‌های اجتماعی هستیم و اکنون نظام سنجش مسائل اجتماعی جامعه کار را نداریم. با فقدان یک نظام جامع و دماسنج آسیب در جامعه هدف خاص، نمی‌توان سیاست‌گذاری صحیح کرد زیرا سیاست‌گذاری ما از جنس تجویز نسخه بر مبنای معاینه بیماری نخواهد بود.

به موضوع اثر کرونا بر آسیب‌های اجتماعی اشاره کردید. این بیماری چگونه باعث تشدید آسیب‌ها در عرصه جامعه شد؟

بعد از کرونا مسائل اجتماعی بیشتر به حاشیه رفت چون اولویت اول کشور به سمت مسائل اقتصادی رفت. اگر قبلا ادعا می‌شد که اقتصاد، مسأله اول و مسائل فرهنگی و اجتماعی در درجه بعد قرار دارند، بعد از کرونا دیگر همین به صورت تعارف هم بیان نشد. معضل معیشت آن‌قدر حاد شده بود که در کنار تحریم‌های اقتصادی، بحران شگرفی به جامعه تحمیل کرده بود که مختص سیاست‌گذاران نبود. مردم هم اگر قبلا دغدغه‌ای برای مسائل اجتماعی داشتند، پس از همه‌گیری کرونا چنان درگیر شدند که حوزه مسائل اجتماعی را با وجود اولویت اقتصاد به کلی رها کردند.

عامل دیگری که پس از کرونا در تشدید آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه در میان اقشار فرودست نقش داشت، گسترش فضای مجازی به‌رغم محدودیت‌های این حوزه بود. پایین آمدن سن استفاده از تلفن همراه و همه‌گیری و رواج تلفن‌های هوشمند به‌عنوان معدود تفریحات باقی مانده در دوران قرنطینه و حفظ فاصله اجتماعی، تاثیرات قابل ملاحظه‌ای در گسترش آسیب‌های اجتماعی به ویژه در طبقات اجتماعی پایین‌تر گذاشت. بسیاری از فرزندان ما ۱۰ سال زودتر از سنی که باید به تلفن همراه هوشمند دست پیدا کردند.

همچنین پس از بروز بیماری کرونا بیش از یک میلیون شغل در کشور از بین رفت و شاهد بودیم که اولویت‌ها بیش از پیش تغییر کرد. بسیاری از خانوارهای مستعد آسیب‌های اجتماعی که تحت پوشش نهادهای حمایتی مثل کمیته امداد و بهزیستی نبودند، از طریق مشاغل خانگی و تبلیغات مجازی معیشت خود را می‌گذراندند که آنان نیز تا حد قابل ملاحظه‌ای کسب و کارهای خود را از دست دادند.

به یاد دارم که سازمان نظام روانشناسی در اعلامیه‌ای از «سونامی بیماری‌ها و امراض روانی» پس از پایان دوره کرونا خبر داده بود. یکی از نشانگان ما افزایش آمار تجربه مصرف مواد مخدر و داروهای روانگردان بود که طبق آمار وزارت بهداشت در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ از ۲۳ تا ۲۵ درصد به حدود ۲۹.۸ درصد رسید. طی ۲۰ سال آمار خودکشی ما بین ۵.۲ تا ۵.۷ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بوده اما طی شش سال اخیر این میزان ۲.۶ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش داشته است. یک چنین رشدی از خودکشی آن هم در کمتر از یک دهه در اکثر کشورهای جهان بی‌سابقه است. این آمار اکنون تا ۷.۶ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در کشور تغییر کرده است.

متاسفانه ما در بسیاری از موارد جرات لایه‌برداری برای برخورد با این واقعیت‌ها را نداریم ولی تا زمانی که لایه‌برداری نکنیم، رشد این مباحث بیشتر و بیشتر خواهد شد. ضمنا تصور من این است که جامعه علمی ایران آن‌قدر توانمند است که بتواند برنامه‌های تاثیرگذاری را برای حل معضلات مربوط به آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد. به عنوان فردی که سه دهه در این حوزه کار می‌کنم و صاحب‌نظران زیادی را در این حوزه می‌شناسم، می‌گویم که ظرفیت علمی ایجاد راهکار وجود دارد.

در پایان باید گفت اگر سرمایه اجتماعی را افزایش دهیم، امنیت اجتماعی پایدار بیشتری خواهیم داشت تا اینکه در بسیاری موارد بخواهیم با برخورد انتظامی و امنیتی مسائل را حل کنیم. تجربه دوران جنگ به ما می‌گوید بالابودن سرمایه اجتماعی باعث می‌شود که بسیاری از آسیب‌ها به وقوع نپیوندد و مردم در همه زمینه‌ها پشت هم باشند. این سرمایه اجتماعی در محلات قابل رویت بود و مردم نسبت به فقرایی که در محیط حضور داشتند، احساس وظیفه می‌کردند اما متاسفانه امروزه ما با ضعف در سرمایه اجتماعی مواجه هستیم و همین مسأله موجب تشدید بسیاری از آسیب‌ها شده است.

خبر

وام ضروری بازنشستگان کشوری واریز شد

معاون توسعه مدیریت و منابع صندوق بازنشستگی کشوری از واریز وام ضروری ۳۰ میلیون تومانی بازنشستگان و وظیفه‌بگیران این صندوق خبر داد.

به گزارش توسعه ایرانی، جعفر امیرآبادی‌زاده گفت: براساس تفاهم‌نامه این صندوق با بانک صادرات ایران، تسهیلات ۳۰ میلیون تومانی ضروری بازنشستگان کشوری برای ۵۲هزار نفر از بازنشستگان و وظیفه‌بگیران واجد شرایط در این مرحله، روز سه‌شنبه به حساب حقوقی آنها واریز شد.

وی گفت: وام ضروری بازنشستگان کشوری همراه با سایر تسهیلات مالی از جمله وام ازدواج فرزندان و وام حمپاد، یکی از خدمات رفاهی و تسهیلات مالی صندوق بازنشستگی کشوری است که برای کمک به بهبود معیشت بازنشستگان به صورت ماهانه پرداخت می‌شود. این تسهیلات به مبلغ ۳۰ میلیون تومان با کارمزد سالانه ۴ درصد پرداخت شده است.